

«طعم تلخ فراموش شدن»

سردی روزگار بعضی بازیگران نام‌آشنای دیروز را به کنج عزلت برده است، سراغی از ۴ نفر آن‌ها گرفتیم تا ببینیم این روزها چه می‌کنند؟

مصطفی میرجانبان | روزنامه نگار



وقتی «فرهاد جم» و «سعید پیردوست» بعد از مدت‌ها با سریال «ستایش» به تلویزیون آمدند، وقتی «غلامحسین لطفی» از بی‌تفاوتی اهالی سینما به همکاران‌شان اشک ریخت، وقتی «صد بقیه کیانفر»، مادر سینمای ایران روی تخت بیمارستان با اشک و گریه از تنهایی‌اش صحبت کرد و این‌که کم‌کار شده است با خودمان گفتیم: آن‌ها مگر این همه مدت کجا بودند؟ با این‌که بخش زیادی از خاطرات سال‌های جوانی و نوجوانی ما با نقش‌ها و فیلم و سریال‌های این بازیگران قدیمی ساخته شده است پس چطور این قدر راحت آن‌ها را فراموش کردیم؟ چرا این چندسال حتی برای یک‌بار خبری از آن‌ها نگرفتیم؟ در پرونده امروز تصمیم گرفتیم بدون هیچ پنهان‌های تلفن‌را برداریم و به سراغ چند بازیگر نام‌آشنا اما کم‌کار یا فراموش‌شده برویم؛ یعنی کسانی که چندسال پیش در نقش‌های خاطره‌انگیزی بازی کردند تا جایی که مردم تا مدت‌ها آن‌ها را به نام نقش‌شان در آن فیلم و سریال می‌شناختند اما به یک‌باره کم‌کار شدند و حالا تقریباً هیچ خبری از‌شان نداریم. ما، در گفت‌وگو با این چهار چهره به یادماندنیشان آن‌ها پرسیدیم این روزها کجا هستند؟ چه می‌کنند؟ شرایط حرفه‌ای، بعضی از بازیگران را به کار دیگری کشانده است اما بیشتر ستاره‌ها همچنان محکم ایستاده‌اند تا دوباره به روزهای اوج برگردند. هر دو گروه اما دل‌پری دارند و به گلايه از روزگار و همصنف‌هایشان می‌پردازند.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۳ اسفند ۱۳۹۸

۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۱ • ۲۲ فوریه ۲۰۲۰

شماره ۲۰۳۴۴

۱۵۴۵

کرونا را ضربه فنی کنید

نکاتی برای پیشگیری از کرونا که باید در خیابان، محل کار، منزل و وسایل حمل و نقل عمومی رعایت شود

۲

سرپیری، برو سراغ بازی‌های رایانه‌ای!

بررسی‌های اخبر روان‌شناسان از تأثیرات مثبت برخی بازی‌های موبایلی و رایانه‌ای روی روان سالمندان خبر می‌دهند

۳

فرفره | شهر قصه «آرزوی آقای کلاه»

۴

به تجربه چندین ساله قدیمی‌ها بی‌توجه‌اند

شهرام لاسمی

با چه کاری معروف شد؟ قلقلی در برنامه «بازی، شادی، تماشاء» آخرین نقش به یادماندنی او چه بود؟ قلقلی در سرزمین قلک‌ها

● **حالا کجاست؟**

«کسی نپرسید زنده‌ام یا مرده؟!» این تیتراژ گفت و گویی است که حدود دو سال پیش واکنش‌های زیادی به دنبال داشت. شهرام لاسمی اواخر آبان ۹۶ در گفت‌وگو با یک خبرگزاری از بی‌توجهی‌ها نسبت به خودش گلایه می‌کند و در بخشی از صحبتش می‌گوید: «سی و چند سال است که هر چه مصاحبه می‌کنم به گوش کسی نمی‌رسد و نمی‌دانم این شرایط تا کی ادامه دارد؟... چندسال پیش خبر مرگ من پخش شد، اما هیچ مدیری تماس نگرفت تا بپرسد زنده‌ام یا مرده؟!» به صورت تلفنی با شهرام لاسمی گپوگفتی داشتیم. او که حالا در مشهد زندگی می‌کند، یاد چندسال پیش می‌افتد و می‌گوید: «با کم‌شدن کار در تهران، شرایط سخت زندگی من شروع شد. من هم مثل دیگران قسط داشتم، طلبکارها هم پشت سر هم ردیف بودند و شرایط هر روز سخت‌تر می‌شد. وقتی آدم‌هایی تشنه دیده شدن هستند و حاضرند با هر شرایطی کار کنند

مدیران از همان‌ها استفاده می‌کنند و هیچ وقت به تجربه چندین ساله ما قدیمی‌ها توجه نمی‌کنند. بنابراین دندان تلویزیون و زندگی در پایتخت را برای همیشه بکنم و به مشهد آمدم. حالا دوسالی است در مشهد زندگی می‌کنم. در این دوسال تأثیر کار می‌کنم، تدریس می‌کنم و زندگی ام را می‌گذرانم. خدا را شکر، راضی‌ام.» لاسمی در ادامه صحبت‌هایش به گلایه از برخی همکارانش می‌پردازد: «سال‌هاست که در تلویزیون، برنامه‌های گفت‌وگو محور ساخته می‌شوند که اتفاقاً بر بینه هم هستند. برنامه‌هایی مثل دورهمی و خندوانه می‌آیند و می‌روند اما هیچ کدام‌شان از من دعوت نمی‌کنند. در صورتی که در تمام این برنامه‌ها هنرمندانی که بعد از من آمده بودند به برنامه‌ها دعوت کرد که به تهران بروم. این داستان البته مال همان زمانی است که اینترنت‌ها قطع بود و من هم نتوانستم بلیت تهیه کنم. در حالی که چند وقت بعد متوجه شدم مدیر شبکه نسیم اصرار کرده است من حتماً با آقای مجید قتاد به برنامه بروم. این یعنی چی؟ یعنی بعد از این همه سال هنوز من را به تنهایی به رسمیت نمی‌شناسند. وقتی این خبر را شنیدم ناراحت شدم. به نوعی دلم شکست و به این نتیجه رسیدم وقتی بلیت گیرم نمی‌آید انگار نشانه‌ای از طرف خداست که حتی به این برنامه هم نروم و همچنان ساکت باشم.»

هنرمندان بی‌هنر برای مادیات به سینما آمده‌اند

جهانگیر الماسی

با چه فیلمی معروف شد؟ شب کژدم

آخرین نقش به یادماندنی او چه بود؟ سرهنگ ارتشی در سریال در چشم باد

● **حالا کجاست؟**

شاید کم‌کاری جهانگیر الماسی به ۱۰ سال قبل برمی‌گردد. همان روزهایی که آقای بازیگر به عنوان کارگردان برای ساخت فیلم «رنج و سرمستی» مشغول بود، رئیس جمهور سابق به پشت صحنه فیلم او رفت که برایش حاشیه شد. بعد از آن بود که آقای بازیگر کم‌کار شد. در حالی که خودش بارها و در مصاحبه‌های مختلفی اعلام کرده بود اصلاً از تصمیم رئیس جمهور سابق برای حضور در پشت صحنه فیلمش خبر نداشته است و هیچ حشر و نشری با اهل سیاست ندارد. الماسی که به تازگی نقش کوتاهی در فیلم «خروج» حاتمی کیا بازی کرده و با این فیلم در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر حضور داشته است؛ حالا در گفت‌وگو با زندگی سلام، کم‌کاری را هم به سخت‌گیری‌های خودش مرتبط می‌داند و هم به شرایط فرهنگی کشور. او می‌گوید:

«گاهی نمی‌توانم به اتفاقات پیرامون خودم بی‌تفاوت باشم. وقتی می‌بینم هر کسی فقط به فکر منافع فردی خودش است و هدفش از کار هنری صرفاً درآمدزایی است، دیگر نمی‌خواهم کار کنم. روزگاری هنرمندان مشهوری داشتیم که هنرشان معرف نگاو و معرفت‌شان بود امروز هنرمندان بی‌هنری داریم که فقط صرف مسائل مادی و شهرت به دنیای بازیگری و فیلم و سینما آمده‌اند. واقعاً تأسف باید خورد برای کسانی که در قاب تلویزیون ظاهر می‌شوند اما به یک‌باره در فضای مجازی چهره‌ای از خودشان به نمایش درمی‌آورند که همه را شگفت زده می‌کند، شرایطی که فقط مال کشور ما نیست. من حالا ۱۲ سال است رنج کم‌کاری را تحمل کرده‌ام اما از جایی دیگر نتوانستم صبر کنم تا شرایط بهتر شود. چون زندگی ساده‌ای دارم؛ در خانه اجاره‌ای زندگی و در کنار همین مردم با مترو و اتوبوس رفت و آمد می‌کنم.» الماسی در پاسخ به این‌که این روزها چگونه مخارج زندگی خودش را تأمین می‌کند و آیا به کار دیگری هم مشغول است یا نه؟ می‌گوید: «متأسفانه به جز بازیگری، کار دیگری نمی‌کنم. قبلاً مدتی کار پژوهشی انجام می‌دادم، در چند فیلم کوتاه بازی می‌کردم، وسایلی که از قبل جمع کرده بودم، می‌فروختم یا با استقرار از بستگان، زندگی ام را می‌چرخاندم اما یک جاهایی کم می‌آوردم. الان هم دغدغه صاحبخانه را دارم چون زندگی کردن در تهران بسیار سخت شده است.»

با نقش‌های کوتاه، خودم را سریا نگه داشته‌ام

سیروس کهوری نژاد

با چه نقشی معروف شد؟ یوسف در ولایت عشق

آخرین نقش به یادماندنی او چه بود؟ کریم سوسکه در اخراجی‌ها و «میمی ساپو» در یوسف پیامبر (ع)

● **حالا کجاست؟**

«برای گرفتن نقش باید در برخی مهمانی‌ها شرکت کنید!» تقریباً دوسال پیش، گفت و گویی با این تیتراژ منتشر و حسابی خبرساز شد. سیروس کهوری نژاد که به دلیل چهره و لپه‌اش بین‌مان شناخته شده است دو سال قبل از این در گفت‌وگو دیگری از فعالیت‌اش در یک آنتلیم عکاسی می‌گوید: «بازیگری هستم که علاقه‌ای ندارم به بازی در هر اثری رضایت دهم و برای همین است که سراغ آنتلیم عکاسی ام آمده‌ام.» حالا ما چندسالی است که بازیگر جنوبی‌مان کم‌کار شده است و به جز بازی در چند نقش کوتاه مثل حضور چند دقیقه‌ای در فصل سوم ستایش جای دیگری اورا ندیدیم. کهوری نژاد به خبرنگار ما می‌گوید: «این روزها به جز تمرین تئاتر، کار دیگری نمی‌کنم. متأسفانه اوضاع اقتصادی کاری کرده که بخش‌های فرهنگی قاصر نیستند از جور که باید کار کنند. در همین شرایط، کارهای فرهنگی‌مان دست سرما به گذارهایی افتاده است که آن‌ها هم آمال و آرزوهای خودشان را دارند. طبیعتاً آن‌ها می‌خواهند کاری بسازند که پول بیشتری به جیب بزنند. بنابراین کار هنری ما شبیه تجارت شده است و این وسط، هنر و هنرمند تقصیری ندارد.» او ادامه می‌دهد: «من بی‌کار نیستم، هر چند ممکن است در تلویزیون و سینما کمتر دیده شوم اما تأثیر رایجیگری می‌کنم و مثل همه مردم، صورتم را با سیلی سرخ‌نگه می‌دارم.» از کهوری نژاد می‌پرسیم به جز بازیگری، شغل دیگری هم دارد؟ می‌گوید: «یک هنرمند به جز کار هنری چه کار دیگری می‌تواند انجام دهد؟ برای هر کاری باید و دوستان سرمایه‌گذاری، چک و... شود که آداب خودش را دارد. یک هنرمند چون بین مردم شناخته شده است، نمی‌تواند در این مسائل موفق شود. من هم مثل خیلی از بازیگران گهگاهی مجبور می‌شوم برای گذران زندگی، کارهایی انتخاب کنم که به میل خودم نیست.» می‌پرسیم به زودی در سینما و تلویزیون، اورا خواهیم دید؟ انگار مردداست که بگوید آری یا خیر: «چند پیشنهاد هست اما خیلی از آن‌ها به سرانجام نمی‌رسد. مثلاً بارها پیش آمده است که پیشنهادی ارائه می‌شود و قبول کرده‌ام ولی یک دفعه تهیه‌کننده کلاهبردار در آمده یا پولم را نداده است.

بارها پیش آمده است که حتی فیلم‌نامه را هم خوانده‌ام اما باند بازی اتفاق می‌افتد و یک دفعه بازیگر تغییر می‌کند. حتی یک بازیگر ممکن است قرارداد ببنند اما فیلم برداری چندماه دیرتر کلید بخورد. در این صورت هم بازیگر قرارداد بسته است و نمی‌تواند کار دیگری قبول کند. انگار قرار نیست این کم‌کاری تمام شود.»

سرمایه گذارهایی افتاده است که آن‌ها هم آمال و آرزوهای خودشان را دارند. طبیعتاً آن‌ها می‌خواهند کاری بسازند که پول بیشتری به جیب بزنند. بنابراین کار هنری ما شبیه تجارت شده است و این وسط، هنر و هنرمند تقصیری ندارد.» او ادامه می‌دهد: «من بی‌کار نیستم، هر چند ممکن است در تلویزیون و سینما کمتر دیده شوم اما تأثیر رایجیگری می‌کنم و مثل همه مردم، صورتم را با سیلی سرخ‌نگه می‌دارم.» از کهوری نژاد می‌پرسیم به جز بازیگری، شغل دیگری هم دارد؟ می‌گوید: «یک هنرمند به جز کار هنری چه کار دیگری می‌تواند انجام دهد؟ برای هر کاری باید و دوستان سرمایه‌گذاری، چک و... شود که آداب خودش را دارد. یک هنرمند چون بین مردم شناخته شده است، نمی‌تواند در این مسائل موفق شود. من هم مثل خیلی از بازیگران گهگاهی مجبور می‌شوم برای گذران زندگی، کارهایی انتخاب کنم که به میل خودم نیست.» می‌پرسیم به زودی در سینما و تلویزیون، اورا خواهیم دید؟ انگار مردداست که بگوید آری یا خیر: «چند پیشنهاد هست اما خیلی از آن‌ها به سرانجام نمی‌رسد. مثلاً بارها پیش آمده است که پیشنهادی ارائه می‌شود و قبول کرده‌ام ولی یک دفعه تهیه‌کننده کلاهبردار در آمده یا پولم را نداده است.

بارها پیش آمده است که حتی فیلم‌نامه را هم خوانده‌ام اما باند بازی اتفاق می‌افتد و یک دفعه بازیگر تغییر می‌کند. حتی یک بازیگر ممکن است قرارداد ببنند اما فیلم برداری چندماه دیرتر کلید بخورد. در این صورت هم بازیگر قرارداد بسته است و نمی‌تواند کار دیگری قبول کند. انگار قرار نیست این کم‌کاری تمام شود.»

با حقوق بازنشستگی، زندگی ام را می‌گذرانم

غلامحسین لطفی

با چه نقشی خیلی معروف شد؟ اصلان در خانه به دوش

آخرین نقش به یادماندنی او چه بود؟ توقیق در بچه‌های نسبتاً بد

● **حالا کجاست؟**

چندماه پیش بود که بهنوش بختیاری، پستی در صفحه اینستاگرامی‌اش منتشر کرد که حسابی خبرساز شد. او نوشته بود: «تلفنی با غلامحسین لطفی بازیگر و کارگردان صحبت می‌کردم. تنها در قزوین زندگی می‌کند و شش سال است که پیشنهاد کاری نداشته است. می‌دانم اوضاع میزبانی ندارد...» این خبر در شبکه‌های اجتماعی هم باز نشر شد تا این که آقای بازیگر چند هفته پیش به برنامه «چهل تیکه» آمد و اشک‌هایش از بی‌مه‌ری اهالی سینما همه‌مان را ناراحت کرد. ما هم یکی دوروز بعد از «چهل تیکه» تلفنی با آقای بازیگر گپ زدیم و از اوضاع و احوال این روزهایش پرسیدیم. لطفی اول صحبت‌اش اشاره می‌کند به حادثه‌ای که ۱۲ سال پیش در فیلم برداری «بابرام» برایش اتفاق افتاده است و می‌گوید: «چند روز قبل عمل جراحی سختی داشتم و حالا دوران نقاهت آن را می‌گذرانم.» کارگردان سریال «آینه» ادامه می‌دهد: «در کشور ما این جور باب شده که هر چه سن بالاتر برود، کار کمتر می‌شود. بخشی از این کم‌کاری به دلیل خود هنرمند است؛ بعد از چندسال کار و تجربه، آدم سخت‌گیر می‌شود. به خصوص برای من که تانقشی را دوست نداشته باشم آن را بازی نمی‌کنم. البته بعضی وقت‌ها از نقشی خوشم می‌آید ولی وقتی برای قرارداد می‌روم کارگردان فکر می‌کند حالا که کم‌کار شده‌ام پس با دستمزد ۳۰ سال قبل هم حاضر می‌بازی کنم!» وقتی از آقای بازیگر می‌پرسیم باید منتظر خبرهای خوبی در آینده باشیم، او گریزی می‌زند به بی‌مه‌ری‌ها و گلایه می‌گوید: «چند روز پیش یک سریال نوروزی پیشنهاد داشتیم که اتفاقاً برای همه چیز به توافق رسیده بودیم. من چون تازه جراحی کرده‌ام همان اول پرسیدم نقش مد نظر چیست؟ دودیدن دارد؟ بزنبزن دارد؟ چون احتمالاً باید با عصا سر صحنه بپیام. اول گفتند نقش ساکن است و مصدومیت شما ارتباطی به نقش ندارد اما حالا چند روز از تلفن آخرمان گذشته است و حتی تماسی نگرفتند که بگویند بازی من در آن فیلم منتفی است. ما از این جور آدم‌های بی‌معرفت که اتفاقاً بر کار هستند، زیاد داریم. کسانی که اصلاً کارگردان یا هنرمند نیستند و با پارتی روی کار آمده‌اند.» از لطفی می‌پرسیم در این سال‌های کم‌کاری، چطور مخارج زندگی را تأمین کرده است؟ برمی‌گردد به سال‌ها قبل و می‌گوید: «خدا

مرحوم مشایخی را رحمت کند. آن سال‌های جوانی که تئاتر بازی می‌کردم، یک روز آن مرحوم برای تماشای تئاتر به سالن آمد و بعد از این که کارمان تمام شد به پشت صحنه آمد و گفت فردای آن روز به اداره تئاتر بروم. به آن جا مراجعه کردم و به استخدام آن اداره درآمد. ۳۰ سال همان‌جا ماندم و حالا باز نشسته اداره تئاتر هستم و با حقوق بازنشستگی، زندگی ام را می‌چرخانم.»

بعضی وقت‌ها از نقشی خوشم می‌آید ولی وقتی برای قرارداد می‌روم کارگردان فکر می‌کند حالا که کم‌کار شده‌ام پس با دستمزد ۳۰ سال قبل هم حاضر می‌بازی کنم!

